



# حمایتگرایی بین المللی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه های حقوقی





سپهرغرب، گروه اندیشه: امام رضا علیه السلام در یکی از احادیث خود فرمود دعا برای امام زمان (عج) فرموده‌اند که ما را از کسانی قرار ده که به وسیله آنان دینت را یاری می‌رسانی.

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «فإن الدعاء للجنَّةِ ابنِ الجینِ صلواتُ الله علیه، و لا تبتلنا فی أمره بالیَمَامَةِ و الکیل و الفیقل و ارجیلنا مین تبتصرُ به لیدیک» «در دعا برای حجت بن الحسن صلوات الله علیه گفت: در کار او ما را به دانتگی و تبیلی و سستی و ضعف مبتلا فرما و ما را از کسانی قرار ده که به وسیله آنان دینت را یاری می‌رسانی.»

تحلیل

اهدای پرچم متبرک رضوی به جلسه قرآنی در ایالت سند پاکستان

سپهرغرب، گروه اندیشه: مرکز امور قرآنی آستان قدس رضوی، پرچم متبرک رضوی را به جلسه سنتی قرآن کریم مدرسه و مسجد امام حسین(ع)، در ناحیه (دادو) ایالت سند پاکستان، صفت نکوهیده طمع و آتاری که بر آن مرتب است تذکر داده‌اند.



نوگرایی در دنیای اسلام در همه جوانب زندگی مسلمانان بروز کرد. از جلوه‌های بروز آن می‌توان به توجه جدی نسبت به منابع اسلامی و نگاهی نو به این منابع و اصولاً نهضت بازگشت به مبانی غنی اسلامی اشاره کرد. کتاب نهج البلاغه که گردآوری بخشی از سخنان و مکاتبات امیر مؤمنان علی (ع) است، به دلیل داشتن مفاهیم و موضوعات، سیاسی منبعی برای حکمت‌آموزی است. اسلام است که توجه مسلمانان را جلب کرده است. میرزای شیرازی و محمد عبده از پیشگامان توجه به نهج البلاغه هستند. در انقلاط مشروطه نهج البلاغه نقش جدی داشت و این نقش برجسته نهج البلاغه را به وضوح می‌توان در کتاب مهم تنبیه الامه و تنزیه المله آیت الله نایینی مشاهده کرد. آیت الله مرتضی مطهری در کتاب نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر در خصوص تأثیر نهج البلاغه بر کتاب میرزای نایینی می‌گوید: انصاف این است که تفسیر دقیق، از توحید عملی، اجتماعی و سیاسی اسلام را هیچکس به خوبی علامه بزرگ و مجتهد سترگ، میرزا محمد حسین نایینی توأم با استدلال‌ها و استشهدای متقن، از قرآن و نهج البلاغه، در کتاب ذی‌قیمت تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله بیان نکرده است.



دین اسلام

توجه دوباره به نهج البلاغه همزمان با آغاز نهضت اسلامی در اوایل دهه چهل شمسی است و با تأکید امام خمینی و تلاش‌های متفکران و پژوهشگران و فعالان نهضت اسلامی نظیر آیت الله طالقانی، آیت الله خامنه‌ای، شهید مطهری، محمدرضا حکیمی، محمدتقی شریعتی و علی شریعتی و... که در جنبش اسلامی ایران معاصر حضور جدی داشتند، از نهج البلاغه در اخذ اصول حکمت سیاسی اسلام بهره برده شد. اهتمام به این کتاب شریف را می‌توان در سخنرانی‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای در کنگره نهج البلاغه که نخستین بار در بهار ۱۳۶۰ ایراد شد، مشاهده کرد؛ ما امروز در دنیای اسلام - که درک و دریافت و بینش اسلامی در آن گاهی با فاصله‌هایی به

اندازه‌ی فاصله‌ی ایمان و کفر از هم دور هستند - با واقعیتی مواجه هستیم. امروز آشکارترین و روشن‌ترین حقایق اسلامی به وسیله بعضی از مدعیان اسلام در کشورهای اسلامی نادیده گرفته می‌شود. امروز همان روزی است که شعارها یکسان است اما جهت‌گیری‌ها به شدت مغایر یکدیگر است، امروز شرایطی مشابه شرایط دوران حکومت امیرالمؤمنین است، پس روزگار نهج البلاغه است. امروز می‌شود از دیدگاه حقیق و نافذ امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به واقعیت‌های جامعه و واقعیت‌های جهان نگاه کرد و بسیاری از حقایق را دید و شناخت و علاج آنها را پیدا کرد. لذاست که به نظر ما امروز از همیشه به نهج البلاغه ما محتاج‌تریم. این یک جهت که ضرورت پرداختن به نهج البلاغه و بازگشت به این مجموعه‌ای که از زبان امیرالمؤمنین و مولای متقیان نقل شده، و هر چه بیشتر کار کردن روی اینها از لحاظ مقدامتی که آنها را بتواند معتبرتر و قابل استنادتر و قابل فهم تر و قابل تطبیق تر بکند از همیشه ضروری‌تر و لازم‌تر است.

وَ قَالَ الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام): اَرزَى نِیْسَه مِّن اِیْتِبَیْعَ الطِّمَعِ، وَ رَضِنَ بِالذَّیْلِ مِنْ کِیْفِ عَنِّ صُرَّةَ، وَ هَانَتْ عَلَیْهِ نِیْسَه مِّن اَهْرَ عَلَیْهَا لِیْسَانَه؛ آنکه طمع را شعار خود گرداند خود را خرد نمایاند، و آنکه راز سختی خویش بر هر کس گشود، خویشتن را خوار نمود. و آنکه زبانش را بر خود فرمانروا ساخت خود را از بها بینداخت.

حجت الاسلام حمیدرضا مهدوی ارفع پژوهشگر نهج البلاغه در تبیین حکمت دوم نهج البلاغه بیان کرد: امیرالمؤمنین (ع) سه عامل از عوامل خفت و ذلت در نهج البلاغه را بیان فرمودند اول طمع است که تفاوت طمع با حرص در این است که طمع معکار به آنچه که از مال و قدرت و احترام و شهرت متعلق به دیگران است چشم دوخته است اما حرص دوست دارد مال و مقام بیشتری داشته باشد، چه در دست داشته باشد چه نباشد.

مهدوی ارفع بیان داشت: شش اثر برای طمع‌ورزی در نهج البلاغه بیان شده است، خواری و ذلت، بردگی که بالاترین مصداق خفت و ذلت است؛ در حکمت ۱۸۰

سپهرغرب، گروه اندیشه: حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا عابدینی در پیامی خطاب به جوانان حزب‌الله لبنان و مقاومت فلسطین، تحلیلی قرآنی از حوادث اخیر منطقه ارائه داد.



حجت‌الاسلام محمد عابدینی

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا عابدینی، استاد حوزه علمیه قم در پیامی تصویری خطاب به جوانان حزب‌الله لبنان و مقاومت فلسطین، تحلیلی قرآنی از حوادث اخیر منطقه ارائه داد.

در باره حوادث اخیر مرتبط با محور مقاومت در لبنان و مردم این تحلیل این از زوایای مختلف پرداخت و گفت: گاهی اوقات، اعمال در جهت تخلف مؤمنان است، اما این اعمال به عزت مؤمنان می‌انجامد، یعنی دقیقاً برخلاف آنچه که می‌خواستند. هر زمان که خداوند بخواهد به خود یاری رساند، خود را با اولیایش یاری می‌دهد و این اولیا نیز یاری‌کننده او می‌شوند. این نگاه بسیار زیباست. از میان شهادت‌های اولیای خدا، پیروزی او عزوجل محقق می‌شود زمانی که این‌ها در راه خداوند متعال شهید می‌شوند و پرچم هدایت را بالا می‌برند. بنابراین، تعبیر موجود در برخی آیات قرآن کریم «وَ یُخِذْ مِنْکُمْ شُهَدَاءَ» بیانگر این است که خداوند شهدای انتخاب می‌کند و به وسیله آنها عزت می‌دهد. بنابراین، هر زمان که صدق کنیم در پیروی از شهدا و ادامه مسیر بر اساس سیر و سلوک آنها، به همین اندازه، قدرت ید شهدا در یاری ما و کمک به ما افزایش می‌یابد.

حجت‌الاسلام و المسلمین عابدینی ادامه داد: نقطه دیگری که ذکر آن حائز اهمیت است این است که در نظر قرآن کریم، حرکت صهیونیسم یک حرکت مشخص و دقیق است. اگر انسان همه آیات قرآن را دنبال کند، درمی‌یابد که نگاه قرآن به یهود و صهیونیسم خاص بسیار عمیق است. ذلت و مسکنت بر یهود و صهیونی‌ها سایه افکنده و عاقبت آنها، فرار و مفری ندارند. عضو هیئت امای سازمان دارالقرآن الکریم ادامه داد: تعبیر قرآن این است که این‌ها به دلیل جرم قتل صالحان، قطعاً ذلت بر آنان ساجت نخواهد داد، بلکه وعده خداوند این است که ذلت بر آنان سایه خواهد افکند. هر زمان که این‌ها گرد هم بیایند، خداوند ذلت را از آنها دور کند. مگر اینکه به جیل‌الله چنگ زند و زیر پرچم اسلام حق وارد شوند یا به جیل مردم. این را می‌توان یک بار به این صورت تفسیر کرد که با مؤمنان پیمان ببندند و خود را در امان آنان قرار دهند. با اگر زیر بار تبعیت مؤمنان بروند و با امضا و تعهدات خود، ذلت خود را ببندند و به تبعیت دیگران درآیند تا در سایه وجودشان زندگی کنند. پس زندگی مستقلی نخواهند داشت بلکه همیشه به دیگران وابسته خواهند بود.

زمان که این‌ها گرد هم بیایند، خداوند ذلت را بر آنان حاکم می‌سازد. مگر اینکه به جیل‌الله چنگ زند و زیر پرچم اسلام حق وارد شوند یا به جیل مردم. این را می‌توان یک بار به این صورت تفسیر کرد که با مؤمنان پیمان ببندند و خود را در امان آنان قرار دهند. با اگر زیر بار تبعیت مؤمنان بروند و با امضا و تعهدات خود، ذلت خود را ببندند و به تبعیت دیگران درآیند تا در سایه وجودشان زندگی کنند. پس زندگی مستقلی نخواهند داشت بلکه همیشه به دیگران وابسته خواهند بود.

محور مقاومت به‌طور کامل همچون دست واحدی در عرصه عمومی و برای نخستین بار در تاریخ، متحد شده است



قتل صالحان دشمن را از ذلت نجات خواهد داد

انجام می‌دهد، هنگامی که به کل اضافه می‌شود، حقیقتی واحد را شکل می‌دهد. همگی در درمان او کوشا بودند. با این حال، در ظاهر، رفتار آنها به‌صورت واضح و مشخصی بروز نمی‌کند. هدف این است که به دشمن هیچ پهنانه‌ای داده نشود که کشورهای مختلف در برابر او بایستند. و به همین دلیل، حیات اسرائیل به این بستگی دارد که احساس کند کشورهای مختلف در حال جنگ با او هستند و او یک کشور واحد در برابر هفت کشور دیگر است، اما آنچه که در واقعیت اتفاق می‌افتد، این است که او به راحتی می‌تواند با حزب‌الله در لبنان، جهاد اسلامی، حماس فلسطینی و سایر گروه‌های فلسطینی مواجه شود. این مواجهه باعث می‌شود که وضعیت برای او دشوارتر شود، زیرا احساس می‌کند که تنها با یک عضو (مانند حزب‌الله) در حال مقابله است و نه با یک بدن کامل. در واقع، می‌خواهد نشان دهد که با یک بدن واحد در حال تعامل است.

این استاد حوزه اظهار کرد: این واقعیتی است که در عرصه جهانی دیده می‌شود که اسرائیل با چندین سازمان نظامی مواجه است و نمی‌تواند بر آنها غلبه کند. او تلاش دارد جبهه‌های مختلفی ایجاد کند که به مقابله با او بپردازند. این وضعیت دو تأثیر دارد: نخست اینکه نشان می‌دهد که جبهه‌ای واحد در برابر آن قرار دارد، که به او این امکان را می‌دهد که هم‌پیمانان خود را به میدان بکشاند و در نتیجه به شعارها بسنده کرده و پشت آنها پنهان شود.

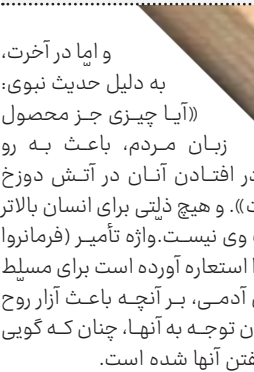
زیرا او جرأت و شجاعت ظاهر شدن واقعی در میدان و عرصه را ندارد. تدبیر مقاومت به‌این‌گونه است که این عضو (مانند حزب‌الله) به اسرائیل مقابله می‌کند و در عین حال کل بدن (محور مقاومت) از او حمایت می‌کند. این وضعیت برای اسرائیل سخت‌ترین مرحله است، زیرا او می‌خواهد هم‌پیمانانش در کنار او باشند، به‌صورت علنی و واضح تا نتوانند با آنها به‌طور علنی و به‌طور مرمز دیگران شود و نمی‌تواند هیچ حرکت نظامی بزرگ و علنی انجام دهد. دشمن هیچ‌گاه مشاهده نکرده است که حزب‌الله و محور مقاومت، به عقب‌نشینی یا سکوت بپردازند. علیرغم تمام ضربات وارده به آنان، این ضربات موجب تثبیت و شعله‌ورتر شدن آنان شده است.

که از طرف خدای سبحان به دست می‌آوری، است. آفت تفکر و بی اثر کردن عقلانیت که در حکمت ۲۱۹ می‌فرماید: «قربانگاه اندیشه‌ها زیربیرق طمع‌ورزی‌ها است» اثر دیگر قرآن کریم، فروختن آخرت باقی به دنیای فانی است و در بند ۷ خطبه ۹۱ در صفات والای فرشتگان می‌فرماید: «طمع‌ها به آنان شیخیون نزده تا تلاش دنیا را بر کار آخرت مقیم دارند.» اثر بعدی ایجاد ناامیدی و یاس است همچنان که در حکمت ۱۰۸ در حالات قلب می‌فرماید: «پس اگر در دل امیدوی پدید آید، طمع آن را از بین خواهد برد.» وی افزود، اثر دیگر طمع‌ورزی، هلاکت است که حضرت در حکمت ۲۷۵ می‌فرماید: «طمع به هلاکت می‌کشد و نجات نمی‌دهد، و به آنچه ضمانت کند، وفادار نیست، و بسا نوشنده آبی که پیش از سیراب شدن گلو گیرش شد، و ارزش آنچه که بر سر آن رقابت می‌کنند، هر چه بیشتر باشد، مصیبت از دست دادنش اندوهناک‌تر خواهد بود.» همچنین حضرت در بند ۱۴ نامه ۳۱ خطاب به فرزند عزیزشان فرمودند: «بپرهیز از آنکه مرکب طمع‌ورزی، تو را به سوی هلاکت به پیش راند، اگر توانستی که بین تو و خدا

طمعکار خود را خوار می‌کند

اول؛ خود را خوار کرد، آنکه طمع را پیشه ساخت. این سخن جهت برحذر ساختن از طمع است که مخالف فضیلت قناعت می‌باشد، با یادآوری پیامدهای طمع، از قبیل خوار ساختن و پست کردن خود. توضیح آنکه چشم طمع داشتن به مال دیگران، باعث نیازمندی بدیشان و کرنش در برابر آنهاست، و این خود انگیزه پستی در نظر آنان، و افتادن از چشم آنهاست. صفت استشار را استعاره برای پیوستگی و مباحثرت طمع، نسبت به

امیرالمؤمنین (ع) سه عامل از عوامل خفت و ذلت در نهج البلاغه را بیان فرمودند اول طمع که تفاوت طمع با حرص در این است که طمعکار به آنچه که از مال و قدرت و احترام و شهرت متعلق به دیگران است چشم دوخته است اما حرص دوست دارد مال و مقام بیشتری بخواهد، چه در دست دیگران باشد چه نباشد.



و اما در آخرت، به دلیل حدیث نبوی: «آیا چیزی از طمع‌کار به آنچه که از مال و قدرت و احترام و شهرت متعلق به دیگران است چشم دوخته است اما حرص دوست دارد مال و مقام بیشتری بخواهد، چه در دست دیگران باشد چه نباشد.»

ذلت، نتیجه عدم آمادگی است

سپهرغرب، گروه اندیشه: حجت‌الاسلام حسینی قمی با اشاره به اهمیت آمادگی برای مقابله با دشمن، از مردم انتظار کرد و گفت: «اگر مردم تا ورود دشمن به خانه‌هایشان صبر کنند، ذلیل خواهند شد.»



حجت‌الاسلام حسین قمی

حجت‌الاسلام حسینی قمی به موضوع مهم آمادگی برای مقابله با دشمنان پرداخت. وی در سخنان خود، با اشاره به خطبه‌ای از حضرت امیرالمؤمنین (ع)، مردم را به خاطر سستی در آماده‌سازی برای مقابله با دشمن مورد انتقاد قرار داد. وی اظهار داشت: «اگر این مردم می‌نشستند تا دشمن به خانه‌هایشان بیاید و آنها با او بجنگند، ذلیل خواهند شد.»

حسینی قمی با اشاره به خطبه‌ای از حضرت علی (ع) گفت: «احضرت، خطبه‌ای بسیار سنگین و پر از عتاب را در این فضا ایراد فرمودند و مردم را به خاطر بی‌توجهی به آمادگی مورد سرزنش قرار دادند. حضرت فرمودند: آیا راضی شدید که دنیا را داشته باشید ولی آخرت را از دست بدهید؟ آن هم دنیایی که در آن با ذلت زندگی می‌کنید و دشمنان زیاد و قتل و غارت کنند.»

وی افزود: «وقتی شما را به جهاد با دشمن دعوت می‌کنم، ترس شما را فرآورده است و گویا از مرگ هوش می‌بازید و غارت کنید. ما باید همان‌گونه که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمودند، برای مقابله با دشمن آماده باشیم و نگذاریم که ذلت و خفت بر ما غلبه کند.»

